

بررسی تطبیقی شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله)

پریسا یوسف زاده^۱

چکیده

نوشتار حاضر در صدد است تا مسأله‌ی بررسی تطبیقی شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) بررسی کند؛ چرا که تربیت و هدایت بندگان به سوی پروردگار عالم، مقصود نهایی ارسال رسل و پاسخی به نیازهای اساسی فطرت جوی انسان است و به این سؤال پاسخ داده است که شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) چیست؟ تا با توجه به این شاخص‌های تربیتی، تربیت اسلامی محقق شود و انسان بتواند به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود و رشد کردن متوازن و متعادل برسد؛ در واقع بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود؛ تا تربیت خداگونه داشته باشد و به مرحله قرب الهی برسد که انسان محبوب خداوند متعال می‌شود؛ این تحقیق گویای آن است که تفاوت‌های اصلی در نگرش این دو شخصیت در تربیت معنوی بیشتر در تأکیدات و روش‌های آن‌هاست؛ یکی بیشتر بر استدلال عقلی و فلسفی و دیگری بر سیر و سلوک عملی و همچنین سیره و منش استادشان تأکید دارد، آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) شاگرد علامه (رحمه الله) بودند و در میان شاگردان ایشان پیش از دیگران برای زنده نگه داشتن مسیر تربیتی علامه (رحمه الله) تلاش کردند و ادامه دهنده‌ی راه ایشان بودند؛ اگر دو کار علامه طباطبایی (رحمه الله) را یکی تربیت شاگرد و دیگری تحقیق تربیت عمومی با صورت بندی‌های دقیق و تبیین‌های علمی بدانیم، هر دوی این کارها در کار مرحوم استاد سعادت پرور (رحمه الله) ادامه یافته است.

کلیدواژه: شاخص‌های تربیتی، شاخص‌های تربیتی علامه طباطبایی (رحمه الله)، شاخص‌های تربیتی آیت الله سعادت پرور (رحمه الله)، شاخص تربیتی عبادی، شاخص تربیتی ولایت پذیری

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها شبستر، parisayousefzade76@gmail.com

مقدمه

تحول و رشد معنوی یکی از مهم‌ترین گام‌هایی است که انقلاب اسلامی از ابتدای ایجاد خود برای آن هدف-گذاری کرده و اهمیت آن به اندازه‌ای است که تثبیت و عمق‌یابی انقلاب اسلامی در گرو تحول معنوی در ضمیر افراد است. رشد معنوی عامل اصلی شکوفایی فطرت توحیدی انسانهاست؛ فطرتی تغییرناپذیر و دارای ابعاد نامتناهی که تنها با شکوفایی، آن انسان به کمال مطلق می‌رسد.

برخی کوشش در مسیر سلوک معنوی را مساوی با محرومیت از خواسته‌های مادی و لنگ ماندن زندگی دنیوی قلمداد می‌کنند؛ لذا یا از این راه منصرف می‌شوند یا بر خود و اطرافیان سخت می‌گیرند و به نتیجه‌ی عکس می‌رسند؛ حال آنکه راه قرب الهی از میان همین مادیات می‌گذرد؛ هرچند در مادیات متوقف نمی‌ماند گروهی می‌پندارند مسیر تحول معنوی مسیری آسان و عاری از هرگونه مانع و چالش است و در نتیجه با ایجاد مانع و بروز قبضی در، قلبشان از این راه کناره می‌گیرند این‌ها پاره‌ای از تصورات نادرستی است که گریبان برخی از علاقه‌مندان به این مباحث را می‌گیرد در این میان یکی از مواهبی که خداوند در خدمت بشر قرار داده، نعمت برخورداری از الگوها و اسوه‌های تهذیب و معنویت است که علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت سعادت پرور از جمله آنهاست، شناخت رفتار سلوک و سخنان آنها خود یکی از بهترین راه‌هایی است که می‌تواند انسان را به آرامش واقعی نزدیک کند و سبب افزایش توجه و نورانی‌تر شدن دلها شود؛ این مقاله به این سؤال پاسخ داده است که شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) چیست؟ تا با توجه به این شاخص‌های تربیتی، تربیت اسلامی محقق شود و انسان بتواند به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود و رشد کردن متوازن و متعادل برسد؛ در واقع بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود؛ تا تربیت خداگونه داشته باشد و به مرحله قرب الهی برسد که انسان محبوب خداوند متعال می‌شود؛ چرا که با گذشت حدود دو دهه و سه ده از رحلت این بزرگواران، عطش آشنایی با شخصیت و سیره آنها و نیز فهم مبانی تربیتیشان در بین جوانان و به خصوص علاقه‌مندان به مباحث معنوی بیش از پیش احساس می‌شود و از سوی دیگر، نبود مجموعه‌ای منسجم که در ضمن بیان، خاطرات مبانی عملی این اساتید بزرگوار را در سیره فردی و اجتماعی ایشان شرح دهد راه را سخت می‌کند؛ در این میان کتاب برگ‌ی از دفتر سعادت حاصل بیانات حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد وزیری فرد در شرح احوال و مبانی تربیتی حضرت آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) و کتاب درآمدی بر مکتب تربیتی علامه طباطبایی (رحمه الله) به قلم محمد تقی فیاض

بخش نوشته شده‌اند اما از آنجا که تحقیق مستقلی در شاخص‌ها تربیتی این دو بزرگوار وجود ندارد، در این مقاله سعی شده است که شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبائی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) به صورت محتوایی مورد تحلیل قرار گیرد و روش تحقیق کتابخانه‌ای است.

مفهوم شناسی:

مفهوم تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی زاد و نما گرفته شده است.^۱ در اصطلاح از منظر شهید مطهری عبارت از پرورش دادن به عینی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن است.^۲ بنابراین هدف کلی از تربیت در این پژوهش، خدا گونه شدن و رسیدن به مرحله‌ای است که انسان محبوب و مرضی خداوند متعال شود.

تربیت مبتنی بر اسلام مثلی است که سه ضلع آن رفتار، فرآیندها ذهنی (معرفت و شناخت) و تمایلات و انگیزه‌هاست؛ هر سه ضلع این مثلث جهت تربیت لازم و مکمل یکدیگر بوده و حجت آنها هم به سمت توحید و یگانگی خداوند است.

مفهوم شاخص

ا. مفهوم (شاخص) در لغت: متغیرهای برنامه‌ریزی آموزشی را شاخص می‌نامند، شاخص در لغت به معنای برآمده، فرد ممتاز، نمودار و نماینده، علامت و مشخص کننده ظاهر آورده شده است؛ در برنامه‌ریزی به عنوان علامتی است که مسیر را مشخص می‌کند و ما را در دستیابی به هدف کمک می‌نماید.^۳

ب. مفهوم (شاخص) در اصطلاح: دایرة المعارف پژوهش‌های آموزشی (۱۹۹۲) شاخص را چنین تعریف نموده است: آماره‌ای مرتبط با سیاست‌های آموزشی که به منظور فراهم آوردن اطلاعات درباره رتبه، کیفیت و عملکرد نظام آموزشی طراحی می‌شود؛^۴ بنابراین شاخص ابزاری است که برای توصیف و درک نظام آموزشی

۱. احمد بن محمد فیومی، مصباح المنیر، ص ۲۱۷؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲. مرتضی مطهری، تعلیم تربیت در اسلام، ص ۵۶.

۳. حسین شعبانی، مقدمات برنامه ریزی آموزشی، ص ۱۰۹.

۴. حمیدرضا آراسته، دایره المعارف پژوهش‌های آموزشی، ص ۴۱۰.

ضروری است ولی کافی نیست؛ شاخص‌ها به تنهایی نمی‌توانند مبنای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار بگیرند، بلکه با نشان دادن نقاط قوت و ضعف، انجام بررسی‌های کیفی و مشاهدات عینی را در نظام آموزشی الزامی می‌کند.^۱

یونسکو شاخص‌ها را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرده و آنها را ابزاری برای اندازه‌گیری و نظارت بر نتایج و دستاوردهای مورد انتظار تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که شاخص‌ها میزان موفقیت یا پیشبرد اهداف را نشان می‌دهد.

منظور ما از شاخص در این پژوهش عناصر، معیارها و نشانه‌هایی است که مسیر تربیت را مشخص می‌کند و ما را در دستیابی به اهداف تربیتی کمک می‌نماید.

تربیت در اسلام

اهداف تعلیم و تربیت ناشی و برگرفته از نوع نگرش انسان به جهان و غایت زندگی و ارزش‌نهایی است که انسان باید در تمام زندگی خویش پی گیرد؛ زیرا انسان آفریده خداست؛ پس غایت زیست انسانی نمی‌تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان لزوماً با غایت آفرینش جهان اختلاف و تعارضی ندارد، بلکه با آن همسو و یکسان است. قرآن نیز مقصد حرکت را صیورت عالم و آدم به سوی خداوند معرفی می‌کند: «هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»^۲

بازگشت همه به سوی اوست» و «و هو إلى الله المصير»^۳ و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.^۴

تربیت اسلامی نیز جهت الهی دارد و به تمام عوامل مؤثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام عبارت از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش تعیین شده است؛ بنابراین تربیت فرآیندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای زندگی انسان مؤثر می‌باشد.^۵

از آنجا که در این مقاله مجال بحث از همه جنبه‌های تربیت اسلامی مانند تربیت عاطفی، سیاسی، اجتماعی، عقلانی، دینی و... نیست، از سوی دیگر این جنبه‌ها را به طور کامل نمی‌توان از همدیگر تفکیک کرد، صرفاً جنبه‌هایی از تربیت که بیشتر مربوط به حوزه اخلاق و دین است، بررسی می‌شود و شاخص‌های آن را ارائه می‌گردد.

۱. فریده مشایخ، دیدگاه‌های نو در برنامه ریزی آموزشی، ص ۱۱۲.

۲. مائده: ۱۸.

۳. آل عمران: ۲۸.

۴. جمیله علم الهدی، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، ص ۱۳۹.

۵. عیسی ابراهیم زاده، فلسفه تربیت (رشته علوم تربیتی)، ص ۳۵.

هدف تربیت اسلامی رساندن انسان به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه و متوازن و متعادل بار آوردن انسان است که بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود؛^۱ بنابراین هدف کلی از تربیت خداگونه شدن و رسیدن به مرحله‌ای است که انسان محبوب خداوند متعال شود برای رسیدن به این هدف کلان و اهداف تربیتی دیگر نیازمند ابزاری تحت عنوان شاخص‌ها هستیم.

شاخص‌های تربیت از منظر قرآن

الف) عبادت

عبادت به معنای انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله است، بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است.^۲ عبادت در اصطلاح دو نوع است؛ عبادت خاص و عبادت عام. نوع اول که همان عبادت خاص است، صرفاً به اعمال شرعی خاصی نظیر نماز و روزه اطلاق می‌شود. منظور از عبادت عام هر گونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»^۳ جن و انس را فقط برای اینکه مرا بپرستند آفریدم. این آیه هدف آفرینش را در عبادت منحصر می‌کند و حقیقت عبادت هم تقرب است، در نتیجه تنها هدف اصلی آفرینش قرب الهی است. همچنین آیات ۶۳ تا پایان سوره فرقان ویژگی‌های عبادالرحمان را توصیف می‌کند، بسی شاخص‌ها و معیارهای تربیت اسلامی در همین عنصر ممتاز و برجسته نهفته است، این معنای عمیق و گسترده از عبادت که در عمق خود، انسان را به سوی ربوبیت سوق می‌دهد، متکی بر عناصر بینش و اعتقادی و ارزش‌های فردی، اجتماعی است. تواضع، انفاق، شب‌زنده‌داری و مناجات با خدا، رفق و مدارا، برخورد کریمانه با افراد نادان، عفت و پاکدامنی، رعایت حق حیات انسانها، توجه به اهداف تربیتی در خانواده و این قبیل ارزش‌ها خصوصیات و صفات عابدان است.^۴

ب) ولایت‌پذیری

ولایت از ماده (ولی) به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز آن‌چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله‌ای در میان آن‌ها نباشد، ولی به کار برده شود.^۵ در تعریف دیگر ولایت به معنی تصدی و صاحب‌اختیاری است و از نظر اسلام دو نوع ولایت وجود دارد:

۱. همان، ص ۳۸.

۲. علی محمد کاردن و همکاران، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۵۱۹.

۳. ذاریات: ۵۶.

۴. علی ذو‌علم، شاخصهای تربیتی دینی از نگاه قرآن کریم، ص ۴۷.

۵. مطهری، ولایات‌ها، ص ۳۶.

ایشان در کتاب اصول فلسفه با تقدم دادن به مسئله شناخت و معرفت النفس به حوزه‌های دیگر، علوم معقول و ما بعدالطبیعه، تقدیر تازه‌ای از فلسفه اسلامی شد.

در تفسیر نیز با روشی که از استاد خود مرحوم قاضی (یعنی روش قرآن به قرآن) اخذ کرده بود، به استفاده معارف بلند توحیدی و سلوکی از دل آیات همت گماشت، این مهم خصوصاً با تفسیر المیزان و انطباق کامل معارف مکتب استادشان با قرآن که ام‌الکتاب مسلمین است، به منصفه ظهور رسید و در معرض دید همگان قرار گرفت؛ با انتشار این اثر در میان دانشمندان اسلامی، دیگر مسائل و مباحث سلوکی یک بحث ذوقی و سلیقه‌ای محسوب نمی‌شود، بلکه به مثابه رویکردی کاملاً قرآنی و اسلامی شناخته شد، از این رو ظهور علامه طباطبایی (رحمه الله) را باید یکی از نقاط مهم تاریخ مکتب معرفتی تشیع دانست، که در آن علاوه بر تعمیق معارف توحیدی، امکان یک تربیت عمومی نیز فراهم آمد.^۱

از نظر روانشناسی «منطق عملی»، رویکرد و روش علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر المیزان و در رساله الولایه روش ترکیبی و تلفیقی از عقل و نقل و نیز کشف و شهود است، چرا که علامه (رحمه الله)، قرآن، عترت، برهان و عرفان را نه در عرض هم، بلکه در طول هم می‌داند، لذا در تفسیر المیزان با تصریح و گاه تلویح و رمز به این مسئله اشاره دارد، چون دین الهی جامع قلب وحی و نقل - عقل است؛ البته روش تلفیقی در کتاب مصباح الهدایت الی الاخلاق و الولایه حضرت امام خمینی (رحمه الله) نیز مشاهده می‌شود؛ در این کتاب امام خمینی (رحمه الله) ولایت را باطن خلافت و ولایت مطلقه کلیه را باطن خلافت مطلق کلیه می‌دانند.^۲

(ب) آیت الله سعادت پرور (رحمه الله)

آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) بیشتر بر سیر و سلوک عملی و وجدانی تأکید داشت و بر تهذیب نفس و ریاضت‌های معنوی جهت رسیدن به کمال الهی تأکید می‌کردند.

ایشان به نقش استاد در تربیت معنوی و تأثیرگذاری عملی در سیر و سلوک شاگردان اهمیت می‌دادند و بر ارتباط قلبی و معنوی میان استاد و شاگرد تأکید داشتند.^۳

آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) عرفان را به عنوان یک روش عملی برای زندگی بهتر و نزدیک‌تر شدن به خدا می‌دانستند و بیان می‌کردند عمل به تکلیف جزء اصلی‌ترین دستورات است.

۱ حسین روحانی نژاد، بحر خروشان: شرح حال عالم ربانی سیدعلی قاضی (ره)، ص ۷-۸۵.

۲ روح الله موسوی خمینی، مصباح الهدایت الی الاخلاق و الولایه، ترجمه سید احمد فهی، ص ۱۹۶.

۳. همدانی، هدف و مراحل تربیت عرفانی از دیدگاه آیت الله سعادت پرور، ص ۳.

استاد یک انبار از اطلاعات و معلومات را در ذهن و دل افراد جا نمی‌کرد که ندانند چه کنند، ایشان عمل به تکلیف را تنها راه رسیدن به حقایق می‌دانستند و راه‌های دیگر هم، هر یک شاید بهره‌ای داشته باشند، اما استاد معتقد بودند راه این است. ایشان در این جهات بسیار جدی بودند و می‌فرمودند: این راه، راه عمل است، حرف زدن فایده ندارد.^۱

عمل به وظیفه، چیزی که ما از آن فراری هستیم ایشان به موقع ذکر هم می‌گفتند، اما کار ایشان فقط ذکر گفتن نبود، ذکر برای ایام خاصی بود؛ ایشان معتقد بودند تنها با ذکر و دعا و نماز خواندن انسان به جایی نمی‌رسد، بلکه انسان با انجام تکلیف به جایی می‌رسد، گاهی نماز تکلیف است، گاهی ذکر تکلیف است.

از منظر عرفانی استاد زیبایی هر چیز به حسب آن است و زیبایی مؤمن در عمل بر طبق فطرت که همان دستورات کتاب و سنت است و پرهیز از مخالفت آن دستورات محسوب می‌شود.^۲

در مجموع می‌توان گفت تفاوت‌های اصلی در نگرش این دو شخصیت به تربیت معنوی بیشتر در تأکیدات و روش‌های آن‌هاست؛ یکی بیشتر بر استدلال عقلی و فلسفی و دیگری بر سیر و سلوک عملی و همچنین سیره و منش استادشان تأکید دارند و با توجه به مطالعات انجام شده و در مطالبی که در متن مقاله گفته شد، آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) شاگرد علامه (رحمه الله) بودند و در میان شاگردان ایشان پیش از دیگران برای زنده نگه داشتن مسیر تربیتی علامه (رحمه الله) تلاش کردند و ادامه دهنده‌ی راه ایشان بودند.

اگر دو کار علامه طباطبایی (رحمه الله) را یکی تربیت شاگرد و دیگری تحقیق تربیت عمومی با صورت بندی‌های دقیق و تبیین‌های علمی بدانیم، هر دوی این کارها در کار مرحوم استاد سعادت پرور (رحمه الله) ادامه یافته است.

۱. سیدمحمدجواد وزیری فرد، برگی از دفتر سعادت، ص ۱۳۴.

۲. سعادت پرور، سر الاسراء، ج ۳ ص ۳.

نتیجه

تربیت و هدایت بندگان به سوی پروردگار عالم مقصود نهایی ارسال رسل است. این تربیت صرفاً تحکمی از بالا نیست، بلکه پاسخی است به نیاز اساسی فطرت جویای انسان؛ انسان بالفطره مایل است از بن و بنیاد عالم پرسش کند و حقیقت آن را بدست آورد، این پرسش البته هیچگاه در سطحی نظری باقی نمی‌ماند بلکه دل و جان آدمی را درگیر خود می‌کند و بالتبع رفتار و کردار او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد به روشنی این پرسش که سر و سویدای آدمی را به خود مشغول کرده، پرسشی است درباره «حق» و حقیقت و پاسخ آن بی تردید چیزی است درباره «توحید» که حقیقه الحقائق است؛ «أنه الحق». اینکه انسان این حق را چگونه و کجا بیابد تعیین کننده سرشت و سرنوشت او است. این تحقیق ضمن پاسخ دادن به این سؤال که شاخص‌های تربیتی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) چیست؟ در پی آن بود که از طریق شاخص‌های تربیتی، تربیت اسلامی محقق شود و انسان بتواند به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود و رشد کردن متوازن و متعادل برسد؛ در واقع بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود؛ تا تربیت خداگونه داشته باشد و به مرحله قرب الهی برسد که انسان محبوب خداوند متعال می‌شود در این صورت خداوند متعال در حدیث قرب نوافل می‌فرماید: «... آنگاه گوش او شوم که بدان بشنود، و چشمش شوم که بدان ببیند، و زبانش گردد که بدان بگوید، و دستش شوم که بدان برگیرد، اگر بخوانم اجابتش کنم، و اگر خواهشی از من کند به او بدهم»؛ نتایج حاصل از این تحقیق این است که تفاوت‌های اصلی در نگرش این دو شخصیت در تربیت معنوی و رسیدن به قرب الهی بیشتر در تأکیدات و روش‌های آن‌هاست؛ یکی بیشتر بر استدلال عقلی و فلسفی و دیگری بر سیر و سلوک عملی و همچنین سیره و منش استادشان تأکید دارد، آیت الله سعادت پرور (رحمه الله) شاگرد علامه (رحمه الله) بودند و در میان شاگردان ایشان پیش از دیگران برای زنده نگه داشتن مسیر تربیتی علامه (رحمه الله) تلاش کردند و ادامه دهنده‌ی راه ایشان بودند؛ اگر دو کار علامه طباطبایی (رحمه الله) را یکی تربیت شاگرد و دیگری تحقیق تربیت عمومی با صورت بندی‌های دقیق و تبیین‌های علمی بدانیم، هر دوی این کارها در کار مرحوم استاد سعادت پرور (رحمه الله) ادامه یافته است.

منابع:

*قرآن

- (۱) آراسته، حمیدرضا، دایرة المعارف پژوهش‌های آموزشی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه-ش.
- (۲) ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت (رشته علوم تربیتی)، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۹ ه-ش.
- (۳) خطیب قزوینی، محمدبن عبدالرحمن، مطول، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۳۹۷ ه-ش.
- (۴) رسولی محلاتی، سید هاشم، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲ ه-ش.
- (۵) روحانی نژاد، حسین، بحر خروشان (شرح حال عالم ربانی سیدعلی قاضی)، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ه-ش.
- (۶) سعادت پرور، علی، پاسداران حریم عشق، تهران: احیاء کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ه-ش.
- (۷) سعادت پرور، علی، سر الاسراء: ترجمه محمدجواد وزیرى فرد، ج ۳، تهران: احیاء کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ه-ش.
- (۸) سعادت پرور، علی، نور هدایت، ج ۵، تهران: احیاء کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه-ش.
- (۹) شعبانی، حسین، مقدمات برنامه ریزی آموزشی، تهران: عابد، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه-ش.
- (۱۰) طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان: ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم، چاپ نوزدهم، ۱۳۶۳ ه-ش.
- (۱۱) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۲، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ه-ش.
- (۱۲) علم الهدی، جمیل، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه-ش.
- (۱۳) فیاض بخش، محمد تقی، در آمدی بر مکتب تربیتی علامه طباطبایی، تهران: فیض فرزانه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه-ش.

- (۱۴) فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم: طلیعه نور، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه-ش.
- (۱۵) کاردن، علی محمد، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ه-ش.
- (۱۶) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۲۳، بیروت: موسسه وفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه-ق.
- (۱۷) مشایخ، فریده، دیدگاه‌های نو در برنامه ریزی آموزشی، تهران: سمت، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸ ه-ش.
- (۱۸) مطهری، مرتضی، تعلیم تربیت در اسلام، موسسه انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۵ ه-ش.
- (۱۹) مطهری، مرتضی، ولاءها ولایت‌ها، تهران: موسسه انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه-ش.
- (۲۰) موسوی خمینی، روح الله، مصباح الهدایت الی الاخلاقه و والولایه: ترجمه سید احمد فهی، تهران: موسسه آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه-ش.
- (۲۱) وزیری فرد، سیدمحمدجواد، برگی از دفتر سعادت، قم: رسم وفا، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ه-ش.

مقالات و مجلات:

- (۲۲) ذو علم، علی، «شاخصهای تربیتی دینی از نگاه قرآن کریم»، فصلنامه آموزش قرآن، ۱۳۸۳ ه-ش، شماره ۷.
- (۲۳) علی محمدی، معصومه، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیت اسلامی از نظر قرآن کریم»، فصلنامه معرفت، ۱۳۹۷ ه-ش، شماره ۱۱.
- (۲۴) مطهری الهامی، مجتبی، «نگاهی به عرفان و ولایت از منظر علامه طباطبایی»، فصلنامه اندیشه علامه طباطبایی، ۱۳۹۴ ه-ش، شماره ۲.
- (۲۵) همدانی، مصطفی، «هدف و مراحل تربیت عرفانی از دیدگاه آیت الله سعادت پرور»، فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۳۹۵ ه-ش، شماره ۳۳.